

ایران - عثمانی

عهدنامه اول ارزنة الزوم «پیش نویس عهدنامه»

نوزدهم ذی‌قعدة ۱۲۳۸ ق. / بیست هشتم ژوئیه ۱۸۲۳ م.

درآمد:

جنگ ایران و عثمانی (۱۲۳۶ - ۱۲۳۸ ق) که به دنبالش لزوم انعقاد عهدنامه اول ارزنة الزوم (۱۲۳۸ ق. / ۱۸۲۳ م.) را داشت از نتایج مستقیم معاهده گلستان است. یکی از پیشنهادات ژنرال یرمولوف که به عنوان نماینده تزار جهت حل اختلافات فصل دوم معاهده گلستان مربوط به مسائل ارضی و سرحدی به تهران آمده بود (۱۲۳۲ ق. / ۱۸۱۷ م.) تشویق ایران جهت حمله به خاک عثمانی به اتفاق روسیه بود که بدین وسیله ایران با کمک روسیه بتواند قسمتی از اراضی عثمانی را تصرف و در نتیجه ایالات از دست رفته قفقاز را فراموش کند، اما فتحعلی شاه که تجربه تلخی از اتحاد کشورهای اروپا داشت و ضمناً به شدت از روسها نفرت داشت، تقاضای شرکت در جنگ علیه دولت عثمانی را رد کرد. زمامداران روسیه از شکست مأموریت یرمولوف مأیوس نشده و لحظه‌ای از تعقیب سیاست خود و دامن زدن به آتش نفاق و تجدید اختلافات دیرینه بین ایران و عثمانی منصرف نشدند. مازاروویچ، نایب سفارت دولت روس در تهران که تمام هم خود را برای کاشتن تخم اختلافات مذهبی مصرف می‌کرد و سعی داشت تحقیر و سرافکنندگی ملت ایران را از انعقاد عهدنامه گلستان جبران کند از ضعف امپراطوری عثمانی که همین روزها گرفتار جنگهای مربوط به استقلال یونان بود استفاده کرده و موقع را مناسب تشخیص داد که در طبیعت جاه طلب عباس میرزا اعمال نفوذ نماید و وی را به اشغال متصرفات عثمانی ترغیب کند. بالاخره بی اعتنائی و تعرض حافظ علی پاشا سر عسکر ارزنة الزوم به قسمتی از حرم و نوکران

۱. مخصوصاً انعقاد عهدنامه تلیسیت بین تزار و ناپلئون (۱۲۲۲ / ژوئیه ۱۸۰۷) که تعهدات ناپلئون نسبت به ایران را طبق عهدنامه فینکن‌اشتاین (صفر ۱۲۲۲ / مه ۱۸۰۷) از بین برد.

2. Mazarowitch.

و گماشتگان فتحعلی شاه که در این سال (۱۲۳۶ ق.) عازم حج بودند، و حمایت وی از دواپل کردنشین ایران (حیدرآلو و سیبکی)، که پس از حمله به چند قریه آذربایجان و ارتکاب قتل و غارت به خاک عثمانی پناه برده بودند، بهانه خوبی به دست روسها داد که دولت ایران را تشویق به جنگ با دولت عثمانی کند.

دولت انگلیس به منظور جلوگیری از نفوذ روس در دربار ایران مخالف این جنگ بود. سرهنری ویلاک،^۴ کاردار دولت انگلستان در تهران، با متابعت از میل خود سعی کرد بلکه ولیعهد ایران را به تعقیب یک سیاست مسالمت آمیز وادارد وی را از شروع به جنگ با دولت عثمانی منصرف سازد، حتی به همین منظور پیشنهاد کرد که قسمتی از کمک مالی سالیانه دولت انگلیس را - طبق معاهده تهران ۱۲۲۹ ق./ ۱۸۱۴ م. - پیش پرداخت کند.

ولی اقدامات ویلاک به نتیجه نرسید، و مازاروویچ، عباس میرزا را به شروع جنگ تشویق و مهیا کرد. در حقیقت نماینده دولت روس عباس میرزا را عامل و وسیله خوبی برای اجرای سیاست دولت خود تشخیص داده بود؛ چرا که به قول دکتر علی اکبرینسا، عباس میرزا پس از شکست اصلاندوز و انعقاد عهدنامه تنگین گلستان، با اقدام به این عمل میخواست نفوذ و قدرت خود را تحکیم نماید. روی این اصل عباس میرزا سپاهی جمع آوری و فرماندهی آنرا به برادرش محمدعلی میرزا دولتشاه سپرد و وی را مأمور حمله به خاک عثمانی کرد.

محمدعلی میرزا در تابستان ۱۲۳۶ ق. شمال بین النهرین، مناطق کردنشین عراق را تصرف و بغداد را محاصره کرد. در سال ۱۲۳۷ ق. قسمت دیگری از سپاه ایران به فرماندهی عباس میرزا دعوات ارمنی نشین ایالات قارص و اردهان را اشغال کرده، در دیگر جبهه دست به پیشروی میزد تا این که در ۱۲۳۸ ق./ مارس ۱۸۲۳ م. رثوف پاشا فرمانده سپاه عثمانی که وضع را نامساعد دید تقاضای متارکه جنگ کرد.

محمدعلی خان مستوفی آشتیانی به نمایندگی دولت ایران جهت مذاکره و انعقاد عهدنامه دوستی به ارزنة الروم گسیل شد.^۵ در نوزدهم ذی قعدة ۱۲۳۸ ق. عهدنامه مزبوره که به عهدنامه ارزنة الروم معروف است بین محمدخان و رثوف پاشا امضاء شد.

طبق این قرارداد، تغییرات مهمی در مرزهای بین دو کشور داده نشد و سرحدات ایران و عثمانی تقریباً به همان حدود زمان نادر شاه تثبیت گردید و دولت عثمانی تعهد کرد که به زوار و حجاج ایرانی آزار نرسانند و از تجار ایرانی غیر از حقوق گمرکی دیگر، چیزی مطالبه ننمایند.

3. Sir Henry- Willock.

۴. آدمیت ۳۷. مرحوم سعید نفیسی در صفحه ۲۰۴ جلد دوم «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران»، میرزاتقی خان فراهانی [= امیرکبیر] را به عنوان امضاء کننده عهدنامه معرفی می کند و در صفحه بعد، میرزا تقی خان به عنوان تهیه کننده متن عهدنامه به همراهی رؤف پاشا ذکر شده و میرزاعلی [ظ: میرزا محمد علی خان] به عنوان امضاء کننده عهدنامه.

۵. مهدوی، ۲۲۸.



نکته مهم و قابل ذکری که باید در این جا آورده شود این است که در کلیه کتب تاریخی که تا امروز منتشر شده، عهدنامه مزبور که پیش نویس عهدنامه اصلی است اشتباهاً به جای اصل قرار داد آورده شده است. توضیح اینکه، بعد از مطالعه مقدمه و فصول - به ویژه فصل هشتم - عهدنامه مزبوره و مقایسه آن با متن اصلی عهدنامه چنین استنباط می‌شود که گویا مقدمات تهیه عهدنامه اول ارزنة الروم که عبارت از همین عهدنامه باشد فراهم گشته و قرار بود که عهدنامه مزبوره تا مدت شصت روز به صورت مهور و مصدق مبادله گردد، ولی به طوری که در قسمت «اساس» عهدنامه اصلی که متن کامل آن بعد از این خواهد آمد، قید شده قرارنامه در تاریخ ۱۲۳۹ ق. مبادله گشته است و تاریخ ۱۲۵۲ ق، مندرج در قسمت خاتمه همان عهدنامه مربوط است به تاریخ کتابت عهدنامه. حجت دوم ما مبنی بر پیش نویس بودن عهدنامه مزبور، مربوط است به شیوه و فرم نگارش مقدمه و متن عهدنامه حاضر که به سیاق نوشتار عهدنامه‌ها نیست. نگاهی کوتاه، به جمله «عبد مملوک» و کلمه «تمشک» در جمله «... از تاریخ این تمشک الی مدت شصت روز در رأس حدود دولتین به یکدیگر ملاقات کرده به آستانه طرفین ایصال و تسلیم شود و...» بیانگر این نکته است که این عهدنامه به عنوان مقدمه و پیش نویس تهیه شده و ما محض اطلاع علاقه‌مندان متن هر دو عهدنامه را در این مجموعه تقدیم می‌داریم.

صورت عهدنامه ایست که فیما بین خاقان آشیان فتحعلی شاه مغفور
و سلطان محمود خان سلطان عثمانی منعقد گردیده.

فهرست مندرجات

- مقدمه - در باب حدود بین الدولتین.
- اساس - در باب حجّاج و تجّار و ردفراری و سفرای طرفین.
- شرایط - در باب واگذاری نقاطی که در اثنای جنگ دولت ایران از عثمانی گرفته، رد اسرای طرفین.
- ماده اول - عدم مداخله دولت علیه به طرف کردستان، در باب عشایر و طوایف سرحدی و رسومی که باید تأدیّه کنند.
- ماده دوم - در باب حجّاج و زوار و سایر مسافرین ایران به مملکت عثمانی، معامله متقابله ایران در مورد اتباع عثمانی، مال التجاره ایران و حقوق گمرکی.
- ماده سوم - در باب عشایر حیدرانلو و سیبکی.
- ماده چهارم - شروط راجعه به فراریها و عشایر دولتین.
- ماده پنجم - استرداد اموال توقیف شده رعایای ایران.
- ماده ششم - ترتیبات راجعه به ترکه متوفای دولتین.
- ماده هفتم - در باب سفراء و فراریهای دولتین.
- ماده هشتم - مدت عهدنامه و تصدیق آن.

غرض از تحریر این کتاب مستطاب این که: درین چند سال به سبب حدوث بعضی عوارض در میان دولتین علیتین اسلام روابط صلح و صفوت و ضوابط دوستی و الفت قدیمه، مبدل به تقار و خصومت و موذی به حرب و کدورت گشته بود. به مقتضای جهت جامعه اسلامیّه و عدم رضای طرفین به سَفک دماء و وقوع اینگونه حوادث و غوغا و اعاده سلم و موذت و تحدید دوستی و محبّت را از جانب دولتین فخامتین اظهار رغبت و موافق شده بموجب فرمان اعلیحضرت قدر قدرت کیوان حشمت، مُلک بخش مُلک‌گیر، آرایش تاج و سریر، خدیو زمین و زمان، جمال الاسلام و المسلمین، جلال الدنیا والدین، غیث الحق و الیقین، قهرمان الماء والطين، ظلّ الله الممدود فی الارضین، حافظ حوزة مسلمانی، باسط بسیط جهانبانی، داور جمشید جاہ سلیمان دستگاه، أنجم سپاه اسلام پناه، زینت بخش تخت کیان، ملک الملوک جهان، تاج بخش کامران، شاهنشاه ممالک ایران، خاقان بن الخاقان الغازی، فتحطی شاه قاجار - خَلدَ اللهُ مُلکَهُ وَ اقباله - و حکم مأموریت غرّه غرّای دولت و شهرباری، دوحه علیای شوکت و جهانداری، ممالک الرقاب، کیوان همّت، برجیس فطنت، ملک فزای ملک ستان، رکن رکن جلال، غصن رطیب اقبال، پادشاهزاده آزاده، ولیعهد دولت علیّه ایران عباس میرزا - عزّ نصره - این عبد مملوک و چاکرجان نثار به وکالتنامه شاهی مخصوص گشته، از جانب دولت علیّه عثمانیه نیز به امر و فرمان اعلیحضرت کیوان منزلت، شمس فلک شهرباری، بدر افق تاجداری، پادشاه اسلام پناه، سلطان البرین و خاقان البحرین، خادم الحرمین الشریفین، ذوالشوکه و الشهامه، سلطان بن سلطان بن السلطان الغازی، سلطان محمودخان آبد الله مُلکَهُ و اقباله - و وکالتنامه به جناب عزّت نصاب، ایالت اکتساب، جلالت اکتساب، متمم الامور بالفکر الثاقب، ممهد القواعد الامور بالرأی الصائب، صدراسبق اکرم، والی ولایت ارزنة الزوم [۱]، سرعسکر جانب شرق محمّد امین رؤف پاشا -

دام مَجْدَه - عطا و عنایت شده بود، این عبد مملوک در مدینه مزبوره با جناب سر عسکر مشارالیه بعد از مبادله و کالتنامه های مبارکه، عقد مجلس مکالمه کرده مصالحه مبارکه به این آیین ترتیب و تعیین یافت.

اساس - به تاریخ سنه یک هزار و یک صد و پنجاه و نه هجری بموجب مصالحه و عهدنامه [ای] که واقع گشته، حدود و سنور قدیمه و شرایط سابقه که در امر حجاج و زوار و تجار و رد فراری و تخلیه سبیل آن را و اقامت شخص معین در دولتین علیتین باشد تماماً و کمالاً بین الدولتین باقی و برقرار و مرعی و معتبر بوده، به ارکان آن وجهاً مِنْ الوجوه خللی عارض نشده، در مابین دولتین علیتین شرایط دوستی و محبت تا ابد در کار باشد.

شرایط - فیما بعد صمصام آشوب و خصام در نیام بوده در میان دولتین علیتین معامله مؤدی کدورت و برودت و منافی سلم و صفوت باشد وقوع نیابد و آنچه داخل حدود قدیمه دولت علیّه عثمانیه می باشد و در اثناء حرب و مقدم بر آن به دست دولت فخیمه ایران آمده، از جمله قلاع و اراضی و فضا و قصبه و قرئ به هیئت حال تقریر مصالحه خیریه از تاریخ این تمسک تا به اختتام مدت شصت روز به طرف دولت عثمانی تماماً تسلیم کرده و به مراعات خدمت این مصالحه خیریه گرفتاران طرفین را پلاکتّم و اخفاء تخلیه سبیل کرده آنچه در اثناء راه محتاج الیه آنها شود از ماکولات و غیره عطا شود و به سرحدات طرفین فرستاده و ایصال شوند.

ماده اول - چون هیچ دولت [ی] نباید در امور داخله دولت دیگر مداخله نماید، مِنْ بعد خواه به اطراف کردستان که جانب بغداد واقع است و خواه به کلیه محالی که داخل حدود می باشند و نیز به نواحی سنجاقهای کردستان - سبباً مِنْ الاسباب و وجهاً مِنْ الوجوه - از طرف دولت علیّه ایران مداخله و تعرض و تجاوز نشده و از متصرفین سابق و لاحق سنجاقهای مزبوره حمایت نشود و اگر از حوالی مزبوره به بیلاق و قشلاقهای طرفین بیایند در باب رسومات مابین وکلای نواب ولیعهد دولت ایران و والی بغداد مذاکره شده رفع گردد که باعث کدورت بین الدولتین نشود.

ماده دویم - باکسانی که از اهالی ایران به کعبه مکرّمه و به مدینه منوره و به سایر بلاد اسلامیّه آمد و شد می‌نمایند، مثال حجّاج و تجّار و زوّار و متردّین اهالی بلاد اسلامیّه رومیّه معامله نمایند و از ایشان به اسم دورمه و سایر وجوه خلاف قانون شرعیّه اصلاً چیزی مطالبه نشود و کذا لک از زوّار عتبات عالیات، مادامی که مال التجاره نداشته باشند از ایشان چیزی مطالبه باج و غیره نشود و اگر مال التجاره داشته باشند، موافق حساب گمرک مطالبه شود و زیاده مطالبه ننماید.

در طرف دولت ایران نیز، با تجّار طرف عثمانی و اهالی ایشان بر این وجه معامله نمایند و به مقتضای شرایط سابقه فیما بعد در حق حجّاج و تجّار دولت علیه ایران تنفیذ و اجرای شرایط از جانب وزرای عظام امیر حاج و میر میران [۲] و سایر ضابطان و حکّام دولت عثمانی کمال دقت و رعایت شود و از شام شریف الی حرمین محترمین و از آن جا الی شام شریف از جانب امین صرّه همایون نیز نظارت حال ایشان بشود و خلاف شرایط به هیچ وجه واقع نگردد و در حمایت ایشان همت نمایند و اگر در میان ایشان نزاع روی بدهد، امین صرّه همایون به معرفت معتمدی که در میان آنهاست نظارت ایشان نماید و از مخدّرات حرم شاهنشاهی و حرم‌های شاهزاده‌های عظام و سایر اکابر دولت ایران که به مکه معظمه و عتبات عالیات می‌روند فراخور مرتبه ایشان حرمت و اعزاز نمایند و کذا لک در خصوص رسومات گمرکی تجّار و اهالی دولت بهیّه ایران مانند اهالی دولت علیه عثمانی معامله شود و از مال تجارت ایشان یکدفعه به قرار یک صد فروش [۳] چهار قروش گمرک گرفته و به دست ایشان تذکره داده مادامی که از دست ایشان به دست دیگری منتقل نشده است از ایشان [مجدداً] گمرکی نگیرند و تجّار ایرانی...^۱ چوپوق [۴] شیراز را که به دارالسعاده می‌آورند [چون] بیع و شری آن انحصار ندارد به هر کس که خواهند بیع نمایند و با تجّار و تبعه و اهالی دولّتین علیّین که به ممالک جانبین آمد و شد دارند به مقتضای جهت جامعه اسلامیّه معامله دوستانه شده از ایداء و اضرار محفوظ باشند.

ماده سیم - آنچه از عشیره حیدراتلو و سبکی که در میان دولّتین متنازع فیهما بوده و امروز در خاک دولت عثمانی ساکن می‌باشند، مادامی که در سمت آنهاست اگر از

سرحده ممالک ایران تجاوز کرده خسارت بزنند سرحده داران [عثمانی] در منع و تربیت ایشان دقت نمایند، اگر از تجاوز و خسارت دست برندارند و سرحده داران نتوانند از آنها ممانعت نمایند دولت علیّه عثمانی از آنها کف ید نمایند، چنانچه ایشان به رضا و رغبت خود به جانب ایران بگذرند، دولت عثمانی ایشان را منع و تصاحب نکند و بعد از آن که به طرف دولت بهیّه ایران بگذرند اگر [مجدداً] به خاک عثمانی روند تصاحب و قبول ایشان شود، در صورتی که ایشان به طرف ایران بگذرند آن وقت از حدود دولت عثمانی تجاوز کرده خسارت بزنند، سرحده نشینان دولت بهیّه ایران در منع و تجاوز ایشان دقت نمایند.

ماده چهارم - به موجب شرط قدیم فراری دولتمندان از جانبین تصاحب نشود و کذا لک از جمله عشایر و ایلات هرکسی که بعد از این دولت علیّه عثمانی به دولت بهیّه ایران و از دولت فخریه ایران به دولت سنیّه عثمانی بگذرد باید همان گذشتگان تصاحب نشود.

ماده پنجم - آنچه در دارالسلطنه و سایر ممالک دولت علیّه عثمانی اموال تجارت ایران موافق شرع و دفتر محفوظ و نگاهداشته شده است از تاریخ این تمسک به مدت شصت روز [در] هر محلی که باشد به معرفت دفاتر مرقومه و به معرفت شرع و معتمد دولت علیّه ایران به صاحبان ایشان تحویل شود و سواى اموال محفوظ آنچه که در اثناء وقوع عداوت از حجاج و تجار و زوار و سایر اهالی ایران که در ممالک عثمانی از جانب بعضی از وزراء و ضابطان جبراً و قهراً گرفته باشند، بعد از افاده و اظهار دولت ایران از دولت بهیّه عثمانی فرمان بر طبق آن به عهده وکیل آنها در هر محل که باشد صادر شود که بعد از اثبات شرعی گرفته تسلیم نمایند.

ماده ششم - در ممالک دولت عثمانی از اهالی ممالک طرفین کسانی که فوت می شوند اگر وراثت و وصی شرعی نداشته باشند، مأمورین بیت المال ترکه همان متوفی را به معرفت شرع دفتر کرده به ثبت و سجل شرعی رسانیده آن مال را بعینه در محل مأمورین تا مدت یکسال حفظ نمایند تا وکیل و وصی شرعی او آمده به موجب ثبت و سجل شرعی اشیاء متروکه تسلیم شود و رسوم عادیه و کرایه محلی که اشیاء در آن حفظ

شده است دریافت شود و اگر اشیاء بواسطه حریق و یا غیر تلف شود ادعای آن نشود، و اگر در مدت مزبوره وارث و وصی نرسد ترکه محفوظ را مأمورین بیت‌المال به اطلاع معتمد دولت ایران فروخته ثمن آن را محفوظ نمایند.

مادّه هفتم - به موجب شرط سابقه برای تأیید دوستی و موادت در هر سه ساله یک نفر از طرف دولتین علیتین در دربار مقیم و معتکف باشند و از تبعه دولتین علیتین در اثناء حرب که به طرفین گذشته‌اند در حق ایشان بنا به جهت مصالحه خیریه، اسانت سیاست نشود.

مادّه هشتم - آنچه از اساس و شروط و مواد که در فوق ذکر شد بر منوال محرّره که بالمذاکره قرار داده شده از طرفین قبول گشته است، ادعای اموال مستهوبه و تضمین مصارف جزئیّه از جانبین مضمی و مامضی کرده صرف نظر فرمایند و از جانب دولتین بر وفق عادت تصدیق نامه‌ها بواسطه سفیر از تاریخ این تمسک الی مدت شصت روز در رأس حدود دولتین به یکدیگر ملاقات کرده به آستانه طرفین ابصال و تسلیم شود و به این وجه عقد و تجدید مصالحه خیریه بر مسالمت حقیقه از تاریخ تمسک معتبره مرعی و معتبر اگشته و از این جهت نایره کدورت و خصومت منطفی بوده و منافعی دوستی و خلاف این عهود و شروط معقوده مربوطه از جانبین وضع و حرکتی و معامله [ی] جایز ندانند. و از جانب جناب وکیل مشارالیه نظر به رخصت کامله از جانب دولت عثمانی از این تاریخ، هزار و دویست و سی و هشت، نوزدهم شهر شریفه ذیقعدّه الحرام یوم یکشنبه، این تمسک ممهور شد و از این جانب نیز این عبد مملوک دولت علیّه ایران به رخصت کامله خود، اساس و شروط و مواد مذکوره را به وجه مشروحه قبول نمود. این تمسک تحریر و به جناب وکیل مشارالیه مبادله و تسلیم شد.

تَمَّ بِالْخَيْرِ وَالسَّعَادَةِ وَالْيَمْنِ وَالْبَرَكَاتِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَوْلَىٰ وَأَخْرَأَ وَظَاهِرًا وَبَاطِنًا

توضیحات عهدنامه ارزنة الروم

(۱) ارزنة الروم: شهری در شمال غرب ترکیه، در ارمنستان؛ از مراکز زراعت و تجارت. این محلّ از ایام قدیم اهمّیت تجارّتی و سوق الجیشی فراوان داشته و در دوره بیزانس شهری به نام تودوسیویولیس در آنجا واقع بوده که بخشی از ارمنیه بود و اعراب بخش و مرکزی را از روی نام ارمنی آن قالیقالا galigala می خواندند...^۱

بعضی ارزنة الروم را به غلط ارض روم نوشته اند. لفظ ارزنة از کلمات آسوری است. از وقتی که مسلمین این شهر را در تصرف رومیان دیده اند آنجا را ارزنة الروم یعنی شهر ارزنة متعلّق به روم خوانده اند و ارض روم به معنی سرزمین روم اشتباه است.

(۲) میرومیران: عنوانی بود که در دوره تیموری و صفوی [و قاجار] به سادات محترم داده می شد.

(۳) فروش: یا فروش، مسکوک مسینه برابر چهل باره.

(۴) معلوم نیست که چیق چوب گیلان است یا فقط چوب گیلان، زیرا که در زبان ترکی لفظ چوغ [= چیق] دو معنی دارد یکی به معنی چوب و دیگری به معنی چیق.^۲

۱. مصاحب.

۲. آدمیت ۳۵ پ.

ایران - عثمانی

اصل عهدنامه اول ارزنة الزوم

ضمیمه و متمم عهدنامه سنة ۱۲۳۸ ق که فیما بین دولتین ایران و عثمانی منعقد گردیده بود.

فهرست مندرجات

مقدمه

- اساس - درباب شروط موذت عهد قدیمه.
- ماده اول - موذت.
- ماده دویم - درباب اراضی و سرحدات قدیمه.
- ماده سیم - درباب اطلاق اسرا.
- ماده چهارم - درباب سرحدات عراقین.
- ماده پنجم - درباب تشریفات و امنیّت حجاج، امنیّت تجار عتبات عالیات.
- ماده ششم - درباب اکراد سبکی و حیدرانلو.
- ماده هفتم - درباب منع تصاحب فراری از طرفین دولتین علیتین.
- ماده هشتم - درباب ضبط اموال اتباع دولت علیة ایران، گمرک مال التجاره، عدم انحصار معامله اجناس.
- ماده نهم - ترتیبات راجعه به ترکه اتباع مملکتین.
- ماده دهم - در باب تعیین معتمدین دولتین.
- خاتمه - تصدیق قرارنامه، تاریخ آن.

شکر و سپاس و ثناء بی قیاس مرخداوندی را رواست که دو ملت حنیف محمد(ص) را بر سایر اُمم مرتبه رجحان و پایه تفضیل داده و ملت اسلام را ناسخ ملل ساخت و دولت اسلام را قاهر دول خواست و چون قلع و قمع خصام و حصول قدرت تام بیواسطه اجتماع آرا و اتفاق هموار دست نمی داد و آرای خطه تبوت را به اجرای حیفه آخرت مابین اصحاب خویش و ارباب کیش مکلف داشت و بر هر فرد از افراد مسلمین لازم افتاد که از جهت جامعه دین با اکثفا و اقران خود مهر برادری ورزند و طرز یگانگی گیرند.

نواب همایون ما نیز که این عهد بهنجب انگیز به فضل عَوْن خداوند عزیز بالارث والاكتساب والعدل والاحتساب دست قدرت بر ممالک تور و عجم گشاده ایم و پای شوکت بر تخت کسری و جم نهاد و با اعلی رتبت، آسمان حشمت، پادشاه مجاهد غازی، مروّج دین و آیین نازی، مؤید بخت، مشید تخت، سلطان البرین و خاقان البحرین، خادم الحرمین الشریفین سلطان محمودخان - دامت شوکته - عقد اخوت به خیر و سعادت بستیم و بدین واسطه پشت دشمنان دین و قلب جمیع معاندین را درهم شکسته، یکچند ابواب مهر و الفت از هر دو حضرت باز بود و دیار اسلام و ایمان به مزید امن و امان مخصوص و ممتاز، یکچند نیز سپاس ایتلاف را از چشم زخم زمان نهائی رسید و بر حسب اتفاق در حدود مملکتین غایله نفاق پدید آمد، نواب همایون ماحرب و نزاع معاشر اسلام را مخالف رأی سید انام دیده، دوستی و برادری تاجور را از هرگونه ملک و مال و کشور برتر گرفتیم و برتر گرفتیم و در اول سال فرخنده مآل قوی ثیل خیریت تحویل، فرزند اسعد کامگار و لیمهد دولت پایدار نایب السلطنة العلیة العالیة عباس میرزاکه حفظ ثغور و سنور مملکت و ضبط نظام مهام این دولت غالباً به حکم و لایتمهد و نیابت کلّ در عهده کفالت و کفایت اوست، به رفع مواد مکاوحت و بسط بساط مصالحت عزّ

وکالت مطلقه و اِذْن و اجازت محققه دادیم و عالیجاه مقرب خاقان میرزا محمد علی مستوفی از قبیل فرزند معزی الیه با جناب مَجْدَت نصاب محمد امین رؤف پاشا سرعسکر جانب شرق در کار مسالمة مکالمه نموده، به تاریخ نوزدهم ذی‌العقده الحرام در مدینه ارزنة الزوم قراری دادند و فصولی نوشتند که چون بی مهتر مبارک و خط همايون خسروان حکم قالب بی‌روان داشت و محلّ اعتناء و موقع استناد نمی‌یافت، اصول مسعوده و فصول ممدوحه را به طرزی که در ذیل این کتاب مرقوم و به خاتم مستطاب مختوم است آرزوی کمال میل و رضا به عَزَّ قبول و امضاء مقرون داشتیم و تفصیل اساس و شروط و مواد بدین منوال است:

اساس - بنای این معاهده مبارکه بر حدود قدیمه و عهود سابقه است که در تاریخ یک هزار و یک صد و پنجاه و نه هجری^۱ موافق عهدنامه تجدید عهود الفت شده و این تاریخ که یک هزار و دویست و سی و نه است تأکید شروط مودت می‌شود و مواد مقبوله مسلمة پادشاهان در دو دولت ابد مدّت باقی و مرعی و معتبر است و اعم از امر حجاج و زوّار و قوافل و تجّار و اطلاق اسراء و ارسال سفراء و اقامت و کلاء و ردّ فراری و ماده مرضیه و غیر ذلک و جهاً من الوجوه خللی عارض ارکان آن نیست و بعون الله تعالی همواره شرایط دوستی فیما بین دولتین علیتین دایماً در کار و برقرار خواهد بود

ماده اول - از حال تحریر که عاشر شهر ربیع الثانی و اول امضای معاهدات سلطانی است حُسام خلاف از هر دو طرف در غلاف بوده و امری که به معنی و صورت برودت و کدورت شود عمداً و علماً در هیچ جانب ظاهر نشود.

ماده دویم - قلاع و اراضی و قصبات و قراء که سابقاً داخل حدود قدیمه بوده و سرحدّ داران دولتین برخلاف حقّ تصرف نموده باشند آئی وقت کان و آئی کان زمان تا وقت ورود سفرای حضرتین به پایتخت دولتین، تمام و کمال به هیئت حال رد شود.

۱. رکنه به عهدنامه (۱۱۵۹ ق. ۱۷۴۶ م.) بین نادرشاه و سلطان محمودخان در همین مجموعه.

مادهٔ سیّم - اطلاق اسراء بر وفق شریعت بلاکتّم و اخفا واجب است و تا سرحدّ مملکت رعایت آنها در باب خوراک و پوشاک و دواب لازم.

مادهٔ چهارم - چون هیچ دولتی را در امور داخلهٔ دولتی دیگر مداخله جایز نیست، اولیای دولّین را لازم است که مین بعد از طرف بغداد و توجهات سنجاقات کردستان و سرحدات عراقین و جهاً من الوجوه و سبباً مین الاسباب دخل و تصرف در امور یکدیگر نکرده است تعرّض و پای تجاوز کوتاه دارند و متصرفین ولایات جانبین را سابقاً کانّ ام لاحقاً از هیچ طرف تصاحب نکنند و هر وقت برای رسوم عادیّه و وجود بیلاقیه و قشلاقیه و سایر دعاوی اتفاقیّه گفتگوی مابین سرحدداران ولیعهد دولت قاهرهٔ ایرانیّه نایب السلطنهٔ العالیّه با وزیر بغداد مخایره نموده آید و به امری که خلاف عادت و معمول و مایهٔ نزاع در دولّین ابد مدّت شود، مشمول متن تحریریه نمایند تا حادثه‌ای سوء وقوع نیابد.

مادهٔ پنجم - چون اعزاز و اکرام حجّاج بیت الحرام لازم است در مکهٔ مقدّسهٔ معظمه و مدینهٔ منورهٔ مطهره و شام و سایر بلاد اسلام با اهالی ممالک ایران مثل اهالی ممالک آل عثمانی بی توفیر و تغییر معامله کند و دورمه و باج از طایفهٔ حاج نخواهند، و امرای حاج و وزرای عظام و میر میران‌های کرام و سایر ضابطان و حکّام موافق شروط قدیمه در منازل و مراحل، ذهاباً و ایاباً، رعایت و حمایت اهل ایران را منظور دارند، و امنای صرّه همایون بخصوصه ناظر و مراقب باشند که از شام الی حرمین و از حرمین الی شام خلاف این شرایط نسبت به معاشر اعجام نشود و هر جا نزاعی اتفاق افتد به نظارت امنای صرّه و معرفت معتمدی که در میان حجّاج ایران خواهد بود قطع و فصل یابد و هر یک از حجّاج بیت الله الحرام و زوّار عتبات عالیات که مال التجاره در دست نداشته باشند مطالبهٔ باج و گمرک از آنها نشود و هر یک اگر داشته باشند زیادتى نسبت به آنها واقع نگردد و هرگاه یکی از اقارب سلطان و اعالی ایران قصد حجّ و عزم زیارت کنند از جانب دولت علیهٔ عثمانیهٔ اعزاز و اکرام که شایستهٔ زئی و فراخور حال اوست به عمل آید.

مادهٔ ششم - عشایر سبکی و حیدرانلو که پیشتر نزاع و جدال این دولت بی‌زوال

بواسطه آنها بود و امروز بیشتر آنها در خاک متعلقه به دولت علیّه عثمانی هستند تا در آنجا اقامت دارند باید خسارتی از آنها به این طرف نرسد و اگر برسد اولیای این دولت منع و تهدید کنند و اگر منع پذیر نشود دست از تصاحب آنها باز دارند. از تاریخ این معاهده مبارکه من بعد هر وقت این دو طایفه کلاً او بعضاً بالطّوع والرضا عزم مراجعت به ولات ایران نمایند از دولت علیّه عثمانی به هیچ وجه مزاحمت و ممانعت نشود و بعدها که به خاک این طرف داخل شدند اگر خواهند که باز به این طرف راجع شوند از آن دولت قبول نکنند و اصلاً و قطعاً تصاحب ننمایند و در حال اقامت این حدود هر خسارتی به آن طرف برسانند اولیای این دولت در کمال دقت منع کنند و دست اقتدار آنها را از ارتکاب اعمال ناسزا قطع نمایند.

ماده هفتم - تصاحب فراری از دو جانب موقوف، خصوصاً عشایر اکراد که زیاده منشاء فساد بوده و باید فراری آنها را از هیچ طرف راه ندهند.

ماده هشتم - اموال و اسباب کسبه و تجار ممالک ایران که در دارالسلطنه اسلامبول و مدینه ارزنة الروم و سایر بلاد محفوظ و موقوف است موافق ثبت دفتر و معرفت شرع انور به استحضار ایلچیان دولت قاهره ایران بی کسر و نقصان تسلیم صاحبان شود و اموال و اسبابی که بعضی از وزراء و ضابطین و غیره هنگام خصومت بین الجانیین از تجار و حجاج و عابریین سبیل ایرانی جبراً گرفته و به غضب و تعدی ضبط نموده اند هر چه صاحبان اموال یا وکلای آنها تعیین کنند و به قلم دهند به حکم و فرمان دولت تسلیم و رد شود و من بعد به حکم اتحاد دو دولت علیّه و به جهت نظم جامعه اسلامیّه، اولیای حضرتین با اهالی مملکتین اعم از تاجر و زایر و مساکن و سایر، به یک سان معامله و سلوک نموده در بلاد و منازل و طرق و شوارع از هر نوع ایذاء و اضرار و از هرگونه امور ناصواب محفوظ و مصون و مرفه و مأمون باشند.

در باب گمرک مال التجاره اگر صدی چهار مطالبه شود باید در تشخیص قیمت زیاده روی نشود و تا آخر مملکت از آن متاع هیچ جا هیچ خبر به هیچ اسم و رسم نگیرند.

دیگر معامله هیچ جنس برخلاف شرع منحصر به یک شخص نباشد و هرکس هر متاعی دارد موافق حکم خدا، مختار بیع و شری باشد.

ماده نهم - در ممالک طرفین از اهالی مملکتین هرکس متوفی شود اگر وارث و وکیل و وصی شرعی حاضر نداشته باشند و امین و معتمدی از آن دولت حاضر نباشند مأمورین بیت‌المال ترکه همان متوفی را به معرفت شرع انور دفتر کرده به ثبت سجّل شرعی می‌رسانند و آن مال را بعینه در محلّ مأمّن تا مدّت یک سال حفظ نمایند و به دولت اعلام و اخبار کنند تا وارث و یا وصی و یا وکیل شرعی بیاید و به موجب ثبت و سجّل شرعیّه اشیاء متروکه مسترد شود و رسوم عادیه و کرایه محلّ آن اشیاء باید داده شود و آن اشیاء اگر در مدّت مذکوره، حریق شود یا به وجهی که منافی شرع نباشد ادعای آن را نباید کرد و اگر در مدّت یک سال وارث و وکیل و وصی نرسد، مأمورین بیت‌المال ترکه محفوظه را به اطلاع معتمد دولت علیّه ایران فروخته، ثمن آن را حفظ نمایند و بعد از تسلیم قبض بگیرند.

ماده دهم - برای مزید وفاق حضرتین و اجرای شروط بین‌الدولتین، هر چند گاه معتمدی تعیین شود و نوعی در آستانه دولتها اقامت ورزد که در سلک تبعه همان دولت محسوب گردد و بر مراتب یگانگی و بکرنگی بیفزاید.

خاتمه: به پاداش این نعمت که حق سبحانه و تعالی بار دیگر کلمه اهل اسلام را متفق ساخت و خصومتها به خصوصیتها مبدل گردید، کلّ فصول این معاهده مبارکه - اعم از اساس و شروط و مواد - به امضاء ولیعهد دولت قاهره ایرانیه رسید و باید من بعد همین عهد و شروط در مجاری متین بین ولیعهدان دولتین و وارثان تاج و تخت سلطنتین مرعی و معتبر و باقی باشد و از اخلاف طاهره شهریاران خلافتی در این باب به هیچ وجه ظاهر نشود.

تحریراً فی غزّه شهر شوال المکرم سنه یک هزار و دوست و پنجاه و دو، مطابق سال یک هزار و هشتصد و سی و شش مسیحی.

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/treaties/>